

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

میراث مکتوب هر ملت، سند زنده‌یی است از سطح آگاهی، فرهنگ و حیات معنوی آنان که به میزان ظرفیت خود میتواند ضمن هویت‌بخشی به آحاد آن ملت، راه و جهت حرکت آیندگان را نیز روشن نماید. سطح‌ترین نگاه به میراث گذشتگان، نگاه موزه‌یی و مکانیکی و شیء‌انگارانه است؛ به این معنا که میان قطعات اعتباری زمان هیچگونه ربط و نسبتی را نمیبیند و از گذشته نیز چیزی جز امر منسوخ و سپری شده درنمیابد، درحالی که، حال، صورت بالفعل گذشته و آینده، صورت بالقوه اکنون است. تازه این معنا به حیث آفاقی زمان بازمیگردد و گرنه به حیث انفسی، این پیوند و نسبت قویتر و زنده‌تر است. اگرچه فهم عالم معاصر نسبت به گذشته و تاریخ دچار تغییر و دگرگونی شده و نشانه بارز آن تبدیل همه چیز در صورت ابژه و تلقی سوپژکتیو از عالم است - و از جمله آن معنایی که از واژه «سنت» اراده میکند - با وجود این اغلب ملتها و اقوام عالم در برجسته کردن میراث گذشته خود و معرفی ظرفیتهای آن، سعی و اهتمام بلیغ به خرج میدهند. از سوی دیگر، در امتداد طرح استعماری قرون اخیر در جهت فراموشی هویت‌های اصیل ملتها و پذیرش صورتهای مصرف‌گرایانه و بی‌ریشه وارداتی، بسیاری از مآثر ارزشمند اقوام غیرغربی یا به یغما رفته و یا بتدریج به فراموشی سپرده شده است. اکنون بخش اعظم موزه‌های بزرگ غربی با آثار گذشته ملتهای شرقی تجهیز شده و بازدیدکنندگان، خاطره ازلی ملتهای متمدن مشرق زمین را در موزه‌های رنگارنگ مغرب زمین زنده میکنند! در دو‌یست سال اخیر که فرهنگ غرب به درجاتی از خودآگاهی رسید، در معرفی و بازآفرینی گذشته یونانی و یونانی مآبی خود، تلاشی

۵



فراگیر بخرج داد تا آنجا که ملتهای دیگر را مدیون و وامدار مطلق گذشته خود خواند و میراث فرهنگی و علمی و بویژه مکتوب خویش را به صور مختلف به ملتها شناساند.

روشن است که این میراث به مجموعه‌یی از اشیاء و اسباب و ظروف و آلات شکار و صنعت و کشاورزی محدود نمیشود، بلکه به تمامی حیثیات مدنی، فرهنگی و فکری گذشتگان دور و نزدیک بازمیگردد. در میان ملتها، ایران اسلامی که بنحو شگفت‌انگیزی توانست هویت ملی و تاریخی خود را با هویت دینی و آیینی پیوند زند، اکنون گنجینه‌یی از میراث و مآثر ادبی و علمی در گستره وسیعی از شاخه‌های دانش را در دست دارد که امروزه باید در مدار پژوهش و معرفی به نسل حاضر قرارگیرد؛ از جمله این میراث گرانسنگ، مجموعه عظیمی از مخطوطات علمی است که هرکدام گذشته از ارزش مادی و صوری، گنجینه‌یی از معارف و تجارب را در دل خود جای داده است و اکنون بخشی از آن بدست گروهی از فضلا و نسخه‌پژوهان حوزه و دانشگاه به ساحت آگاهیهای علمی امروز راه یافته و مییابد. همچنین بخش عظیمی از این میراث به قلمرو دانشهای عقلی و عرفانی تعلق دارد که در انتظار اهتمام محققان برای معرفی و معارفه به مخاطب حاضر است. امید که سهمی از پژوهشهای فلسفی و نظری استادان و جوانان دانش‌پژوه به احیای این میراث و تراش علمی تعلق گیرد و گرد نسیان و غربت از چهره مجاهدتهای علمی اسلاف از بزرگان و عالمان ما زدوده شود. «بمّنه و کرّمه»

سردبیر